



ترکیه: تحولات شتابان و چشم‌انداز آینده

دکتر محمدعلی قاسمی *

اشاره:

تحولات سریع و فشرده ترکیه، چه در داخل کشور و چه در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، باعث سردرگمی ناظران و موجب برانگیختن نگرانی‌هایی درباره آینده این کشور شده است. در عرصه داخلی مبارزه بی‌امان با جماعت فتح‌الله گولن، که انتقادات داخلی و خارجی بسیاری را برانگیخته، تعقیب سیاستمداران عضو حزب دموکراسی خلق‌ها و مبارزه مستمر با عناصر پ‌ک‌ک، در کنار طرح رفراندوم تغییر قانون اساسی و سیستم سیاسی، در عرصه بین‌المللی نیز بهبود سریع روابط با روسیه و به موازات آن حضور جدی در پیمان شانگهای، اجرای عملیات موسوم به سپر فرات در داخل خاک سوریه و تنش‌های متعدد با اتحادیه اروپا و کشورهای چپ‌گرای چون آلمان و آمریکا، ارزیابی‌ها از آینده این کشور را دشوار کرده است. با این حال در لابه‌لای این تحولات نشانه‌هایی درباره چشم‌انداز آینده ترکیه وجود دارد.

مقدمه

کودتای نافرجام ژوئیه ۲۰۱۶/تیرماه ۱۳۹۵، نه فقط سیاست داخلی ترکیه را شدیداً تحت تأثیر قرار داد، بلکه بی‌شک نقطه عطفی در روابط خارجی این کشور هم محسوب می‌شود. اینک ترکیه با انبوهی از مسائل دست و پنجه نرم می‌کند: مبارزه با جماعت گولن که تصور می‌رود مجری کودتا بوده؛ درگیری سنگین با پ‌ک‌ک و گروه‌های سیاسی متمایل به آن که به عقیده حکومت ترکیه، تداوم سیاسی آن جریان مسلحانه محسوب می‌شوند؛ تلاش‌ها برای تغییر قانون اساسی و استقرار سیستم ریاستی به جای سیستم پارلمانی فعلی؛ اختلافات با اتحادیه اروپا در عرصه‌های مختلف؛ اجرای عملیات

موسوم به «سپر فرات» در شمال سوریه و ابهامات و ابعاد مجهول آن و اختلافات با عراق و آمریکا؛ اجزا و مؤلفه‌های مهم این مشکلات فشرده و درهم تنیده است.

مبارزه با جماعت گولن

با آن‌که در زمان وقوع کودتا، دیدگاه‌های مختلف و متعارض در باب ماهیت آن وجود داشت، اما اینک عموم تحلیل‌گران در داخل ترکیه قانع شده‌اند که کودتای مزبور واقعی و تحت اداره نیروهای نظامی نزدیک به جماعت فتح‌الله گولن (یا به تعبیر اعضای جماعت «جنبش خدمت») بوده است. دولت ترکیه با اطلاع از ابعاد بحران به این نتیجه رسیده است که در حالت عادی و با سیر کنونی پارلمان و محاکم دادگستری نمی‌تواند اعضای این جریان را تحت تعقیب قرار دهد؛ زیرا از همان ابتدا تخمین زده می‌شد که افراد قابل تعقیب قضایی بیش از یک صد هزار تن باشند. یکی از دلایل این مدعا، نرم‌افزار مکاتبه اعضای گولن بوده است. ادعا می‌شود که این گروه با نرم‌افزاری موسوم

* همکار علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی



از دو سال قبل به تصفیه اعضای گولنیست اقدام کرده و جای نگرانی نیست. واقعیت آن است که ابعاد حضور اعضای این جماعت در نهادهای دولتی، به ویژه قوه قضائیه، ارتش و نیروهای پلیس هنوز به طور کامل مشخص نیست. بعضی تحلیل گران معتقدند که اکثریت اعضای این نهادها، گولنیست یا گولنیست مخفی محسوب می شوند. اگر این ارزیابی صحیح یا تا حدودی صحیح باشد، ابعاد خطری که حکومت ترکیه را تهدید می کند، بسیار عظیم خواهد بود. لذا این ادعای طرفداران حکومت را که مدعی اند خطر کودتا کاملاً رفع نشده، گزافه نمی توان دانست. این تحلیل گران مدعی اند که جماعت گولن، از حدود سی سال قبل، با نفوذ در کارگزینی ها، مؤسسات دولتی و دسترسی به سؤالات امتحانی و گزینشی و گذاشتن سؤالات مزبور در اختیار اعضا و دانش آموزان مدارس این جماعت، راه ورود گولنیست ها را به نهادهای مذکور هموار کرده است. با این حساب، گولنیست های شناخته شده را باید قسمت خارجی کوه یخ دانست. برای تأیید این دعوی به چند مورد اشاره می شود: یکی از نمونه های جالب توجه، حساب توپتری موسوم به فؤاد عون است؛ شخص یا اشخاصی با این حساب توپتری، اقدام به افشاگری علیه حکومت اردوغان می کردند. اخبار دقیق این کاربر از مصویبات و تصمیم های محرمانه باعث حیرت می شد. پس از کودتا، معلوم شد که از حدود ۲۰ کارمند دایرة اطلاع رسانی دفتر نخست وزیری، ۱۹ تن از گروه

به بای لاک^۱ - که یکی از اعضای آن گروه و عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات ملی ترکیه، آن را طراحی کرده است - مکاتبه کرده و هماهنگ شده اند. سازمان اطلاعاتی ترکیه (میت)، اندک زمانی قبل از کودتا موفق شده تا فقل بای لاک را بشکند و کل پیام های مبادله شده را کپی کند، پیام هایی که حدود ۱۸ میلیون سطر تخمین زده می شود. این مکاتبات بین حدود ۲۱۵ هزار تن رد و بدل شده است. در مرحله اول ۲۰ و بعدها ۴۰، ۵۶، ۷۶ و نهایتاً ۱۶۵ هزار تن از اعضای این جریان شناسایی شده اند. طبعاً بررسی سوابق و اخراج این افراد با فرآیند عادی سال ها به طول می انجامد. لذا حکومت حالت فوق العاده^۲ اعلام کرد. این وضع به حکومت اجازه می دهد «مصوبه هایی در حکم قانون»^۳ تصویب کند و بعدها آنها را به تأیید پارلمان برساند. بر این اساس افراد شناسایی شده از دواير دولتی، ارتش، نیروهای پلیس، دانشگاه ها و آموزش و پرورش و.. اخراج شدند. اخراج هزاران تن از معلمان فرماندهان پلیس، خلبانان، و.. مشکلات مهمی در پی داشت؛ در نیروی هوایی کمبود خلبان بروز کرد و ارتش از خلبانانی که سابقاً اخراج شده بودند، دعوت به همکاری مجدد کرد. ادعا می شود که اکثر این خلبانان اخراجی در اثر توطئه اعضای گولنیست ارتش، اخراج شده بودند. در نیروهای ویژه نیز حالت مشابهی به وجود آمد و در پی انتشار آگهی جذب نیروی جدید، تعداد متقاضیان به حد بی سابقه ای رسید. در آموزش و پرورش نیز (به ویژه با اخراج معلمان) که ادعا می شود طرفدار پ ک ک بوده اند) مشکلی مشابه رخ نمود. همچنین در دانشگاه ها، شبهاتی وجود دارد دال بر اینکه آیا حکومت از وضع فوق العاده و بهانه مبارزه با کودتاچیان، برای تسویه حساب با منتقدان آکادمیک خود استفاده می کند یا نه؟

رمزگشایی از بای لاک، مشکلات مهمی را ممکن است در آینده پدیدار کند. بعضی احتمال داده اند که افرادی از اعضای بلند پایه و یا نزدیک به حزب عدالت و توسعه هم در میان کاربران بای لاک باشند. در صورت صحت این ادعاها، تبعات آن برای حزب مزبور سنگین خواهد بود. زیرا اخراج این افراد می تواند به کاهش نمایندگان حزب حاکم در پارلمان منجر شده و ثبات حکومت را تهدید کند. البته سران حزب معتقدند که این حزب

1. ByLock
1. OHAL
2. KHK

گروه‌های مختلف به میان آمده، اما رسانه‌های ترکیه آن را به جماعت گولن منسوب داشته‌اند.

مسئله گورد و تعقیب سران حزب دموکراسی خلق‌ها

ایده محوری و چارچوب برخورد دولت ترکیه با پ‌ک‌ک، پس از پایان فرآیند صلح، تحول عمیقی یافته است. ترکیه مبارزه بی‌امان و استراتژی مشت آهنین را در برخورد با افراد مسلح گروه در پیش گرفت و شهرهای سنگربندی شده را پاکسازی کرد. همین رویه با افزایش کنترل بر عبور و مرورهای مرزی و بمباران مداوم مراکز و اردوگاه‌های گروه در شمال عراق پیگیری شد و توان لجستیک گروه را کاهش داد. اینک پ‌ک‌ک به ندرت می‌تواند اقدام نظامی یا انفجار موفق را سازماندهی کند. یکی از برگ‌های برنده ترکیه را در این مبارزه، استفاده از هواپیماهای بی‌سرنشین مسلح تولید داخل دانسته‌اند. مدلی از این هواپیماها که اینک در شمال سوریه و علیه داعش هم مورد استفاده قرار می‌گیرد و به بایراقدار موسوم شده است، می‌تواند با انواع دوربین‌ها، افراد مسلح را در کوه‌ها و مناطق صعب‌العبور شناسایی کرده و هدف قرار دهد. این شیوه مبارزه، باعث کاهش قابل ملاحظه تلفات نیروهای نظامی و ناموفق ماندن اغلب حملات پ‌ک‌ک شده است. همین موفقیت باعث شده تا کابینه ترکیه، سرمایه‌گذاری و سفارش‌های جدیدی برای آن در نظر بگیرد.

از طرف دیگر، حکومت از وضع فوق‌العاده برای مبارزه با نهادها، افراد و سازمان‌هایی که تصور می‌رود با پ‌ک‌ک مرتبط باشند، استفاده کرده است. حکومت با مصوبه‌های در حکم قانون، شهرداران بسیاری از شهرهای کردنشین را عزل کرده و اغلب فرمانداران را به جای آنان به صورت «قیم» منصوب کرده است. بسیاری از افرادی که حامی پ‌ک‌ک تصور می‌شدند از ادارات دولتی و بالاخص آموزش و پرورش اخراج شده‌اند. بیش از ده نماینده حزب دموکراسی خلق‌ها در پارلمان، پس از لغو مصونیت، بازداشت شده‌اند. دلیل بازداشت، عدم حضور آنان در دادگستری برای ارائه توضیحات و بازجویی اعلام شده است. نشریات متعددی که نزدیک به پ‌ک‌ک محسوب می‌شدند، چندین خبرگزاری و چندین کانال رادیویی و تلویزیونی هم

گولن بوده و اعتراف کرده‌اند که اخبار حساب کاربری فواد عون را تأمین و به خارج از ترکیه ارسال می‌کردند. مورد دیگر محافظان شخصی اردوغان است که به‌رغم حساسیت فوق‌العاده وی نسبت به جماعت گولن از سال ۲۰۱۳ به بعد، معلوم شده آجودان شخصی و تعدادی از محافظانش از گروه مزبور بوده است. از حدود ۲۶۴ وابسته نظامی ترکیه در خارج از کشور، ۱۶۵ تن وابسته به گروه مزبور ارزیابی می‌شوند که حدود ۶۰ تن از آنها هم تقاضای پناهندگی کرده‌اند. حتی در مواردی مشخص شده است که قاضی یا دادستان رسیدگی کننده به پرونده گولنیست‌ها، خود از اعضای این جماعت بوده است! به هر حال در جریان مبارزه مزبور، مراکز آموزشی متعلق به جماعت، دانشگاه فاتح، مراکز خیریه، شرکت‌های وابسته، نشریات و کانال‌های رادیویی و تلویزیونی و... همگی تعطیل یا مصادره شده و به خزانه دولت انتقال یافته‌اند.

ادعاهای مهم و اغلب غیررسمی زیادی درباره همکاری جماعت گولن و مخالفان حکومت ترکیه وجود دارد. در این میان به ویژه از همکاری و همراهی پ‌ک‌ک و پلیس‌ها و نیروهای اطلاعاتی عضو جماعت مزبور، تلاش منسویین گروه برای ارائه چهره‌ای نامطلوب از ترکیه و حکومت اردوغان در جهان غرب و حتی تخریب روابط خارجی ترکیه و تروریست یا حامی تروریسم نمایاندن این کشور یاد می‌شود. با این که تحقیقات کامل و رسمی درباره قتل سفیر روسیه در آنکارا (۹۲ آذرماه) صورت نگرفته و پای



تعطیل شده است.

مسئلهٔ بازداشت شهرداران و عزل آنها انتقادات متعددی را برانگیخته و استدلال شده است که افراد منتخب مردم باید با رأی مردم کنار بروند و نه به دست دولت. مقامات ترکیه و شخص بن علی ییلدیریم و اردوغان در مقابل گفته‌اند که انتخاب‌شدن با رأی مردم، مجوز کمک به تروریسم یا همکاری با تروریسم نمی‌شود. اتهامات متوجه شهرداران مزبور - در صورت اثبات - سنگین است؛ تهیهٔ نیروی مسلح و تربیت آنها تحت پوشش کلاس‌های آموزشی شهرداری‌ها (ادعا می‌شود در کلاس‌هایی که تحت عنوان صنایع دستی، ادبیات کردی و... برگزار می‌شده، ایدئولوژی پ‌ک‌ک و ضرورت مبارزهٔ مسلحانه آموخته می‌شد)؛ انتقال پول و بودجه به گروه پ‌ک‌ک؛ استخدام سمپاتیزان‌های پ‌ک‌ک در شهرداری در مواردی تا چند برابر نیاز دستگاه؛ در اختیارنهادن تجهیزات و ماشین‌آلات شهرداری برای حفر خندق و سنگربندی در شهرها توسط اعضای پ‌ک‌ک؛ عدم کمک به نیروهای امنیتی برای اطفای حریق از طریق عدم ارسال ماشین‌های آتش‌نشانی و... در این میان اتهامات نمایندگان هم اغلب تبلیغ به نفع پ‌ک‌ک و حمایت از تروریسم و محکوم‌نکردن آن است. البته در مواردی ادعاهای خاصی هم وجود دارد؛ مثلاً دربارهٔ فیصل ساری ییلدیز نمایندهٔ شرناق ادعای حمل سلاح و اعضای پ‌ک‌ک با اتومبیل مجلس و یا حضور در مراسم تدفین بمبگذار انتحاری که باعث مرگ ۲۸ نظامی ترک در آنکارا شده بود، مطرح است.

سؤال مهمی که ذهن ناظران را به خود مشغول کرده، این است که چرا بازداشت شهرداران و نمایندگان، به‌رغم پیش‌بینی‌ها، عکس‌العمل مهمی در پی نداشت و جز یکی دو تجمع کوچک در استانبول، جامعهٔ کرد به حمایت از آنان نپرداخت؟ این سکوت و نظاره، عکس‌العمل و حیرت نمایندگان کرد و اعضای حزب دموکراسی خلق‌ها را هم به دنبال داشت. برای مثال حسیب کاپلان، نمایندهٔ سابق حزب مزبور در پارلمان، در توییتی جنجال‌برانگیز، کردها را سرزنش کرده و «مفت‌خور و کبک‌صفت و...» خوانده بود. به نظر می‌رسد که حداقل چهار دلیل برای این سکوت جامعهٔ کرد می‌توان طرح کرد:

۱. خستگی کردها از منازعات و به ویژه درگیری مسلحانه و

بی‌نتیجهٔ پ‌ک‌ک که به نظر می‌رسد غیر از خونریزی و برادرکشی ارمنی نداشته است.

۲. تقویت اتوریتهٔ دولتی: در دوران موسوم به فرآیند صلح، طرفداران پ‌ک‌ک فضای جامعه را به دست گرفته بودند و مخالفان خود را مرعوب و تسلیم می‌کردند. در واقع پ‌ک‌ک همواره تلاش کرده تا اثبات کند جامعهٔ کرد یکدست و یکپارچه بوده و این گروه نمایندهٔ واقعی آن جامعهٔ یک‌صداست. در دورهٔ مزبور و در سکوت دولت، بسیاری از مخالفان سرشناس پ‌ک‌ک و طرفداران حکومت ترکیه در جامعهٔ کرد، ربوده شده و به قتل رسیدند. به هر حال استقرار مجدد قدرت دولتی در این مناطق، مانع تحرک این گروه شده است.

۳. بازداشت تحریک‌کنندگان: بسیاری از سردسته‌ها و افرادی که تجمعات و اعتراضات به طرفداری از هدپ را سازماندهی می‌کردند، اینک تحت تعقیب قضایی قرار گرفته یا فرار کرده‌اند.

۴. حملات کور و بمب‌گذاری‌های گاه با اهداف نامعلوم (نظیر انفجارهای انتحاری آذرماه در استادیوم و منطقهٔ بشیکتاش و پارک ماچکا در استانبول که حدود ۴۴ کشته برجای گذاشت)، سمپاتی نسبت به گروه پ‌ک‌ک و حزب هدپ را (که در قبال آنها سکوت اختیار می‌کند) کاهش داده است.

مجموعهٔ این تحولات با ارزیابی‌ها و نظرسنجی‌های صورت گرفتهٔ جدید، همخوانی دارد؛ براساس این پیمایش‌ها، میزان آراء حزب هدپ به حدود و ثغور



و توسعه در انتهای سال ۲۰۰۲، حدود یک سال بوده است. ائتلاف‌های شکننده و زودگذر، ویژگی سیاست دهه ۱۹۹۰ ترکیه است. در سیستم پارلمانی، گاه احزاب کوچک و قومی امکان می‌یابند در پارلمان حضور مؤثری داشته باشند و احیاناً (مانند انتخابات اول در سال ۲۰۱۵) در فرآیند شکل‌گیری ائتلافات نقش کلیدی (یا نقش قفل) ایفا کنند. اما مخالفان و در رأس آنها حزب جمهوری خواه خلق و هدپ بر سابقه سیستم پارلمانی در ترکیه و محاسن آن در مهار قدرت انگشت می‌گذارند و ابراز نگرانی می‌کنند که با استقرار سیستم ریاستی، اردوغان به قدرت غیر قابل کنترل می‌بدل شود. اینان که در سال‌های اخیر از اردوغان به عنوان دیکتاتور یاد می‌کنند، از استقرار دیکتاتوری واقعی می‌ترسند.

باری حزب حرکت ملی که دغدغه‌های ملی و ناسیونالیستی‌اش مشهور است، پیشگام شده است تا به قول رهبرش - دولت باغچه‌لی - به وضع دوفاکتوی فعلی، صورت حقوقی و قانونی داده و آن را دو زوره کند. به عبارت دیگر، باغچه‌لی معتقد است که در وضع کنونی، عملاً سیستم ریاستی برقرار شده و اردوغان از اختیارات کامل ریاست جمهوری - که به طور سنتی رؤسای جمهوری از آنها استفاده نمی‌کردند - استفاده می‌کند. لذا بهتر آن است که این وضع به صورت مشروع و حقوقی درآید. به هر حال در جریان رفت و آمدها بین مقامات دو حزب عدالت و توسعه و حرکت ملی، پیش‌نویس اصلاحیه قانون اساسی تدوین شد و با توافق دو حزب به پارلمان تقدیم شد. قرار است این اصلاحیه پس از تصویب پارلمان - که علی‌القاعده در آن مشکلی بروز نخواهد کرد - به رفراندوم گذاشته شود. براساس اصلاحیه جدید، پُست نخست‌وزیری حذف شده، رابطه رئیس‌جمهور با حزب متبوعش قطع نمی‌شود؛ تعداد اعضای پارلمان در سال‌های آتی به ۶۰۰ نماینده افزایش یافته و اختیارات ریاست جمهوری، افزایش قابل ملاحظه‌ای می‌یابد و امکان تعقیب قضایی او، البته پس از ۲۰۱۹، با رأی بالای پارلمان میسر خواهد بود. این بسته اصلاحی البته کمتر از آن بود که اردوغان و حزب عدالت و توسعه قصد ایجادش را داشتند. ظاهراً شرایط حساس کنونی، آنان را واداشته تا به این مقدار بسنده کنند.

صحنه سیاست خارجی ترکیه

سنتی‌اش بازگشته است (حدود ۷ درصد). در واقع افزایش رأی حزب مزبور را باید در پرتو شرایط سه سال قبل ترکیه تحلیل کرد؛ اولاً جریان‌های لیبرال و سوسیالیست تلاش کرده‌اند تا با افزایش رأی حزب مزبور آن را به حزبی «ترکیه‌ای» و نه صرفاً کردی مبدل کنند و به این ترتیب هدپ را از سلطه و کنترل پ‌ک‌ک خارج سازند. ثانیاً در جریان فرآیند صلح، پ‌ک‌ک، حضور قدرتمندی در مناطق کردنشین به هم رسانید و طرفداران احزاب دیگر را مرعوب و ساکت ساخته و گاه مورد حمله قرار داد و مطابق گزارش‌ها - حداقل در محیط‌های کوچک - آراء را کانالیزه کرد. ثالثاً ضعف اتوریته دولتی و ترس از اینکه در ادامه فرآیند صلح پ‌ک‌ک، نیروی فائده و مسلط شود، گروه‌هایی را وادار به اطاعت از جریان مزبور کرده بود. اما ظرف یک سال و نیم گذشته و با بمب‌گذاری‌های مزبور و عدم موضع‌گیری هدپ، عقب‌نشینی لیبرال‌ها، کاهش حضور پ‌ک‌ک و حضور قدرتمندانه‌تر دولت در مناطق کردنشین، آراء حزب مزبور هم کاهش یافته است.

اصلاحیه قانون اساسی و تغییر سیستم

رجب طیب اردوغان از سال‌های پایانی نخست‌وزیری‌اش، خواستار تغییر سیستم پارلمانی ترکیه به سیستم ریاستی شده است. استدلال وی آن بوده که ریاست جمهوری قدرتمند، به وحدت ترکیه و حکومت باثبات می‌انجامد. واقعیت آن است که متوسط عمر حکومت‌های ترکیه، قبل از قدرت‌گیری حزب عدالت



در عرصه سیاست خارجی ترکیه هم با فشرده‌گی و کثرت مسائل مواجهیم؛ روابط متشنج با اروپا و عراق، عملیات سپر فرات در شمال سوریه، تحولات سریع در روابط با روسیه و تعارضات با آمریکا از مهم‌ترین این مسائل محسوب می‌شوند.

روابط با اروپا

روابط پرتنش ترکیه با اتحادیه اروپا موضع جدیدی نیست. اما به ویژه پس از کودتای نافرجام ژوئیه این تعارضات و انتقادات متقابل شدت گرفته است؛ کشورهای اروپایی و در رأس آنها آلمان، از فقدان آزادی بیان و محدودسازی آزادی رسانه‌ها به بهانه مبارزه با تروریسم و کودتاچیان، انتقاد می‌کنند. در واقع رسانه‌های آلمان از چند سال گذشته، هجوم رسانه‌ای بی‌وقفه‌ای علیه ترکیه و به ویژه شخص اردوغان به راه انداخته‌اند. حمایت آلمانی‌ها از روزنامه‌نگاران تحت تعقیب و حتی ارائه امکانات به آنها (مثلاً اعطای پاسپورت آلمانی به جان دوندار سردبیر سابق روزنامه جمهوری که اینک با ادعای همکاری با جماعت گولن تحت تعقیب است) خشم ترکیه را برمی‌انگیزد. در مقابل، ترکیه، اروپایی‌ها و آلمانی‌ها را متهم می‌کند که مستقیم یا غیرمستقیم از تروریست‌ها حمایت می‌کنند. برخی مقامات ترکیه اظهار داشته‌اند که حدود چهار هزار عضو پ‌ک‌ک در آلمان مشغول فعالیت بوده و منابع مالی برای این گروه فراهم می‌سازند. ادعایی که مقامات آلمانی آن را تکذیب می‌کنند. ترکیه همچنین از موضع‌گیری دیر هنگام مقامات اروپایی در قبال کودتا و عدم مسافرت مقامات عالی رتبه اتحادیه به ترکیه در ماه اول پس از کودتا شکایت دارد. زمزمه‌های مربوط به اعاده مجازات اعدام در حقوق ترکیه، تنش در معاهده استرداد مهاجران غیرقانونی هم از اختلافات مهم است. در پاسخ به این تنش‌ها، پارلمان اروپا، قطعنامه غیرالزام‌آوری را تصویب کرد که براساس آن از اتحادیه خواسته شده بود، مذاکرات عضویت با ترکیه را به حالت تعلیق درآورد. البته باید اذعان داشت که اتحادیه اروپا پس از برگزیت و رأی منفی به قانون اساسی جدید ایتالیا، دیگر جدایت سابق را ندارد و در ترکیه میزان طرفداران آن به پایین‌ترین حد رسیده است. امری که دست اردوغان را بازتر می‌کند. لذا حتی بسیاری از مقامات اتحادیه (مانند موگربینی) که ترکیه را به قطع مذاکرات تهدید می‌کردند، در روزهای قبل از رأی‌گیری مزبور به حمایت از تداوم مذاکرات

پرداختند. به زعم آنان قطع مذاکرات به از دست رفتن اهرم فشار بر ترکیه منجر خواهد شد. بحث بر سر تمدید معاهده گمرکی ترکیه و اروپا، پس از پایان مهلت ۲۰ ساله در سال جاری، هم از اهرم‌های فشار بر ترکیه توصیف می‌شود. معاهده مزبور، اگرچه سرمایه‌گذاری اروپاییان را در ترکیه تسهیل کرده، اما از علل اصلی کسری تراز تجاری این کشور هم محسوب می‌شود. لذا ترکیه از لغو احتمالی آن چندان هم ناخشنود نخواهد بود. تحریم تسلیحاتی ترکیه، به دلیل آنچه برخورد نامتناسب با مخالفان مسلح خوانده شده نیز، از اقدامات چند شرکت هلندی و آلمانی در دو ماه اخیر بوده است. مقامات دفاعی ترکیه اظهار داشته‌اند که با توجه به تغییر سلاح سازمانی ارتش این کشور به اسلحه جدید تولید داخل، این تحریم بیشتر سمبلیک، صوری و تبلیغاتی است.

حضور ترکیه در پیمان شانگهای و تصدی ریاست کلپ انرژی این اتحادیه - به‌رغم عدم عضویت در آن - که بی‌شک با چراغ سبز و هدایت روسیه صورت گرفته است، از منظر ترکیه آلت‌رناتیوی برای اتحادیه اروپا محسوب نمی‌شود. زیرا هم این اتحادیه از ترکیه دور است و هم مجموعه ارزش‌های آن با جهت‌گیری یک قرن اخیر این کشور در تضاد است. به نظر می‌رسد مقامات این کشور از این مانور به عنوان اهرمی برای خنثی‌سازی فشارهای اروپاییان و آمریکایی‌ها استفاده می‌کنند. البته مقامات ترکیه به خوبی واقف‌اند که هدف روسیه از میدان دادن به ترکیه، ضربه زدن به بلوک غرب، اتحادیه اروپا و تضعیف ناتو است. زیرا پوتین - با کاراکتر



غرب فرات- از این شهر عقب‌نشینی خواهند کرد. حال آن که به این وعده ماه‌ها بعد هم عمل نشده است. مقامات ترکیه نگران آنند که آمریکایی‌ها طرح‌هایی برای ایجاد کردستان بزرگ و یا حداقل فدراسیون در منطقه داشته‌باشند.

آمریکایی در پاسخ به عملیات سپر فرات، عملیات «خشم فرات» را توسط نیروهای پی‌دی و برخی گروه‌های کوچک عرب به راه انداخته است. این عملیات به‌رغم پیشروی‌های اولیه، متوقف شده است. تحلیل‌گران در ترکیه، هدف از توقف عملیات مزبور و عدم حرکت به سوی رقه را متوقف ساختن نیروهای تحت حمایت ترکیه در الباب می‌دانند و آمریکایی را به کارشکنی در اقدامات ارتش آزاد سوریه متهم می‌کنند.

از منظر آمریکایی‌ها به نظر می‌رسد که آنان، کردها را نیرویی قابل اعتماد، سکولار، متمایل به غرب یافته‌اند که اینک در عرصه میدانی مبارزه با داعش در سوریه، آلترناتیو قابل توجهی ندارند اما واقعیت امر آن است که اوضاع شمال سوریه، بسیار مبهم و غیر قابل پیش‌بینی است؛ مثلاً معلوم نیست که پس از پایان کار حلب، دولت سوریه چگونه با کردها تعامل خواهد کرد. دولت از یک طرف خود را مدیون آنها می‌داند که از فرصت مبارزه با دولت بشار اسد استفاده نکرده‌اند و از طرف دیگر، بعید است که با درخواست فدراسیون و کانتون موافقت کند. در واقع فدراسیون مورد نظر پی‌دی، عملاً کنفدراسیون است و با ایده کنفدرالیسم دمکراتیک عبدالله اوجالان مطابقت دارد. در عین حال دولت به شدت ضعیف شده، نمی‌تواند به سهولت این مناطق را از گروه‌های مزبور بازپس بگیرد. مورد مواجهه دو طرف در حسکه، طی ماه‌های گذشته جالب توجه است. مواجهه‌ای که به عقب‌نشینی ارتش سوریه منجر شد. طبعاً تداوم حمایت آمریکا، مواضع ایران و روسیه هم بر تعاملات مزبور مؤثر خواهد بود. حتی احتمال مواجهه آمریکا و روسیه در این نواحی هم منتفی نیست.

حضور نیروهای ترکیه در شمال سوریه نیز یکی از کانون‌های بحران خواهد بود؛ وضعیت‌هایی نظیر بمباران مواضع نظامیان ترکیه و ارتش آزاد که در ماه اخیر رخ داد و به مرگ و مجروحیت چندین نظامی ترک منجر شد، می‌تواند به درگیری دو کشور ختم شود. ظاهراً در اینجا روسیه نقش متوازن‌کننده را ایفا می‌کند. با این حال به نظر می‌رسد که اینک ترکیه بیش از هر زمان دیگری به قبول

انتقام‌جویی که دارد- به سهولت ترکیه را نمی‌بخشید و به آن کشور جایگاهی در شانگهای نمی‌داد.

بحران سوریه و عملیات سپر فرات

از شهریورماه ترکیه با کمک به بخشی از اپوزیسیون سوری، که مجموعاً ارتش آزاد سوریه خوانده می‌شود، از شمال وارد خاک سوریه شده و اینک در پشت درهای شهر مهم الباب است. هدف اصلی و اولیه ترکیه از این مداخله، ممانعت از اتصال کانتون‌های تحت اختیار پی‌دی در شمال سوریه و شکل‌گیری کریدوری کردی در مرزهای جنوبی این کشور بوده است. ترکیه پی‌دی را شعبه سوری پ‌ک‌ک می‌داند، امری که کمتر ناظری در صحت آن تردید می‌کند. با این حساب ترکیه به هدف اولیه‌اش رسیده است اما هدف مهم‌تر که عبارت باشد از جلوگیری از تأسیس فدراسیون یا خودمختاری مشابه شمال عراق تحت کنترل گروه‌های نزدیک به پ‌ک‌ک، همچنان دور از دسترس می‌نماید. یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه تحقق هدف مزبور، مواضع آمریکاست. آمریکایی‌ها در مناطق تحت کنترل پی‌دی، پایگاه‌ها و فرودگاه‌هایی تأسیس کرده و تجهیزات نظامی فراوانی در اختیار آنها گذاشته‌اند. این امر خشم مقامات ترکیه را برانگیخته است زیرا به عقیده آنان، همین سلاح‌ها سر از ترکیه درآورده و در دست اعضای پ‌ک‌ک قرار گرفته است. از طرف دیگر، آمریکایی‌ها به مقامات ترکیه اطمینان داده بودند که اعضای پی‌دی، پس از آزادسازی منبج- شهری عرب‌نشین در



امکان تداوم حکومت اسد، نزدیک شده است. امری که برای ایران و روسیه هم مطلوب است. غیر قابل تصور نیست اگر دو کشور در آینده نزدیک برای ممانعت از تشکیل فدراسیون در شمال این کشور، با یکدیگر همکاری کنند. در هر حال، عملیات سپر فرات برای آنکارا نفع ملموس دیگری نیز داشته و آن هم این امر است که دیگر در رسانه‌ها و بیانیه‌های رسمی، کشور یا تحلیل‌گری، ترکیه را به حمایت از داعش متهم نمی‌کند. این وضع از بار اتهامات و فشارهای بین‌المللی علیه این کشور کاسته است.

تنش بین ترکیه و عراق بر سر حضور نیروهای این کشور در بعشیه در نزدیکی موصل هم بدون نتیجه مشخصی تداوم یافته است. به نظر می‌رسد که ترکیه نگران تغییر بافت قومی و جمعیتی منطقه و از آن مهم‌تر، استقرار مخالفان کرد در این نواحی و به ویژه منطقه سنجار است. ادعا می‌شود که تعداد قابل ملاحظه‌ای از اعضای پک‌ک‌ک، در این نواحی ایزدی‌نشین مستقر شده و حتی نیروهای محلی نزدیک به خودشان را هم ایجاد کرده‌اند. این نکته مورد انتقاد حکومت اقلیم کردستان هم بوده است. بن علی ییلدیرم در آذرماه اعلام کرد که نیروهای ترکیه با پایان آزادسازی موصل از منطقه خارج خواهند شد. اما نیروهای عراقی داوطلب - حشد الشعبی - و نخست وزیر حیدر العبادی مواضع تندی اتخاذ کرده و خواستار خروج سریع نیروهای ترکیه و احترام به حق حاکمیت این کشور شده و تهدید کرده‌اند که ممکن است به اقدامی نظامی متوسل شوند تا ترکیه را وادارند از خاک عراق خارج شود. به نظر می‌رسد که در حال حاضر حکومت اقلیم کردستان، بیشترین استفاده را از این تنش‌ها و اوضاع موصل می‌برد.

نتیجه‌گیری

تحولات ترکیه سریع‌تر و فشرده‌تر از گذشته در جریان است. در داخل مسئله مبارزه بی‌امان حکومت با جریان فتح‌الله گولن، هم ساختار سیاسی، نظامی و امنیتی کشور را تحت تأثیر قرار داده و هم حکومت از کودتا - به تعبیر اردوغان - به عنوان موهبت و فرصتی سودجسته تا مبارزه با جماعت مذکور و پک‌ک‌ک را تسریع کند. تردید نیست که هر دو اقدام فوق در فقدان شخصیت مقتدر و محبوب اردوغان، ممکن و میسر نبود. در واقع اردوغان به عنوان رهبری قدرتمند - که به صراحت در مقابل اتحادیه اروپا و غرب

ایستادگی کرده و از آنها انتقاد می‌کند و در صورت لزوم از ناسیونالیسم ترک و اسلام سیاسی هم بهره می‌گیرد - هم طرفداران پرشوری دارد و هم مخالفان سرسخت و رادیکال. محبوبیت اردوغان پس از کودتا هم به نحو قابل توجهی افزایش یافته است. در فضای بین‌المللی نیز نوعی حرکت به سمت پوپولیسم و رهبری قدرتمند مشاهده می‌شود. از این رو اردوغان در آینده قابل پیش‌بینی و در صورتی که حادثه‌ای غیرمنتظره رخ ندهد، همچنان مرد قدرتمند ترکیه باقی خواهد ماند.

در بحران کردی، احتمالاً تحولات جدیدی رخ خواهد داد اما انتظار نمی‌رود روند صلحی مشابه پروسه قبلی در آینده نزدیک احیاء شود. اصلاحیه قانون اساسی نیز به احتمال زیاد در فرآیند تأیید خواهد شد و این امر نیز قدرت اردوغان را بیشتر خواهد کرد. در ساحت بین‌المللی به نظر نمی‌رسد که تنش‌ها با اتحادیه اروپا، بیش از وضع فعلی افزایش یابد زیرا هر دو طرف اذعان دارند که به یکدیگر احتیاج دارند. بی‌شک تحول در بحران سوریه و سمت و سوی این تحول هم در روابط ترکیه با همسایگان جنوبی‌اش مؤثر خواهد بود و هم در اوضاع داخلی و بحران کردی. در مجموع ترکیه امروز بیش از هر زمان دیگری در گذشته، پذیرای حکومت بشار اسد به نظر می‌رسد.

